

تفسیر اجتماعی آیات ربا برای فهم دلایل ممنوعیت مطلق آن

فرج‌الله میرعرب*

چکیده

قرآن کریم ربا را زیاده‌طلبی جنون‌آمیز دانسته است. این فعل اقتصادی در جامعه رواج دارد و عده‌ای در پی یافتن راه‌حل‌های تجویز آن هستند. مفسران اجتماعی، ممنوعیت مطلق این فعل اقتصادی را استنباط کرده‌اند که مسئله پژوهش حاضر است. مطالعه توصیفی تحلیلی با گرایش اجتماعی در تفسیر آیات ربا نشان می‌دهد که ترویج نفرت و تشدید فاصله طبقاتی، تخریب نظام اقتصادی، به‌خطر افتادن سلامت مادی و معنوی جامعه، نابودی سرمایه‌های انسانی، ناهنجاری‌های اخلاقی، کوتاهی عمر جامعه، تضعیف دین‌داری و ... از پیامدهای ممنوعیت ربا است که سبب می‌شود، احساسات نیروهای تولیدی و نیازمندان جریحه‌دار و میل انتقام‌جویی از رباخوار در آنان بروز کند و جامعه در حال جنگ و نزاع قرار گیرد. به‌همین دلیل خدای متعال اصرار بر ربا و رباخواری را جنگ با خود و رسولش خوانده است.

واژگان کلیدی

آیات ربا، تفسیر اجتماعی، تحریم مطلق ربا.
پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

mirarab@isca.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۳۰

*. دانشیار گروه علوم قرآن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱

طرح مسئله

آسب‌های اجتماعی ریشه در هوای نفس انسان دارند، از جمله هواهای انسان میل او به ثروت‌اندوزی است: «أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ» (تکاتر / ۱)؛ تحلیل آیه می‌فهماند که زیاده‌گرایی و فخر به ثروت و مسابقه گذاشتن در جمع مال و نفرت، آسبیبی است که انسان را از واجب زندگی یعنی یاد خدا و عمل به تکالیف بازمی‌دارد، در نتیجه عمری به غفلت می‌گذرد تا مرگ برسد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۳۵۱)

یکی از راه‌های ارضای میل به تکاتر، رباخواری است. برخورد شدید قرآن و روایات با رباخواری، مفسران قرآن، فقیهان و اقتصاددانان را بر آن داشته است تا جنبه‌های گوناگون این مسئله را بررسی و زبان‌های فردی و اجتماعی آن را ارائه کنند. یکی از محرمات مؤکد دین اسلام که قرآن کریم به شدت و خشم از آن نهی کرده است، موضوع ربا و اقتصاد ربوی است، (بقره / ۲۷۵؛ آل عمران / ۱۳۰) حرمت ربا پیش از اسلام در ادیان دیگر از جمله یهود نیز محرز بوده است و خداوند وعده عذاب به رباخواران آنها داده است. (نساء / ۱۶۱) در تورات موجود که مقبول یهودیان و مسیحیان است، حکم حرمت ربا آمده است. (سفر خروج: ۲۰ / ۲۳ و باب ۲۲ و ۳۷) عهد جدید نیز در چندین قسمت به رباخواری و نهی از آن اشاره می‌کند. (انجیل متی: ۲۷ / ۲۵؛ لوقا: ۲۲ / ۱۹؛ انجیل متی: ۴۲ / ۵؛ لوقا: ۳۴ / ۶)

تردیدی نیست که قبل از ظهور اسلام رباخواری در حجاز شایع بوده و عده‌ای از این طریق کسب درآمد می‌کردند و در این کار، یهودیان پیشگام شدند و شاید معاملات ربوی در حجاز توسط آنان رواج داده می‌شد. یهودیان براساس تعالیم تورات موجود، دریافت ربا از همکیشان خود را ناروا و از دیگران را روا می‌دانند. (سفر خروج: ۲۳ / ۲۰) از معاهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران نیز استفاده می‌شود که مسئله ربا در میان مردم و حتی کشیشان و راهبان مطرح بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله ترک آن را جزو مفاد پیمان آورده‌اند. (احمدی میانجی، ۱۹۹۸: ۳ / ۱۶۵)

در فقه قرآنی، اصرار بر رباخواری جنگ با خدا نامیده شده است. (بقره / ۲۷۹ - ۲۷۸) جنگ خواندن با خدا، بزرگی گناه را می‌رساند و نشان می‌دهد که ربا خطر بزرگی برای نظام مطلوب الهی در عالم انسانی است. در دو آیه دیگر (بقره / ۲۷۶ - ۲۷۵) نیز مجازات و پیامد دنیوی و اخروی رباخواران بیان شده که همانند دیوانگان بودن و جاودانگی در دوزخ، محروم شدن از رشد و برکت در مال و نابودی سرمایه از جمله مجازات‌ها است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۵ / ۱۲۴)

در منابع روایی نیز بر حرمت ربا به شدت تأکید شده است و یکی از مسائلی که به‌خاطر آن رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آینده امت اسلامی سخت نگران بود، موضوع ربا بوده است. (کلینی، ۱۳۶۷: ۵ / ۱۲۴)

چنان که در روایتی از امام باقر^{علیه السلام} پلیدترین کسب شمرده شده است (همان: ۱۴۷) و امام صادق^{علیه السلام} در مورد کسی که ربا می‌خورد و آن را مانند اولین شیر مادر لذیذ می‌دانست، فرمود: «لئن أمکنی الله عزوجل منه لأضربن عنقه؛ اگر خدای عزوجل مرا بر او مسلط کند، گردنش را می‌زنم». (همان)

با توجه به ادله موجود، در فقه اسلامی نیز اغلب فقیهان حرمت آن را نه تنها به کتاب، سنت و اجماع مستند کرده‌اند، بلکه از ضروریات دین به‌شمار آورده‌اند. (امام خمینی، بی‌تا، ۱ / ۵۳۶؛ بجنوردی، ۱۳۹۳: ۵ / ۷۴؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۲۳ / ۳۳۲)

چرا ربا در مکتب الهی چنین منفور است؟ تفسیر آیات چه آسیب‌ها و مفاصد واقعی را مترتب بر ربا دیده که سخت‌ترین برخورد را با این پدیده کرده است؟

پژوهش حاضر به‌منظور رهیافت به نظر قرآن کریم درباره آسیب‌های اجتماعی پدیده شوم ربا، با تأکید بر آراء مفسران اجتماعی قرآن، مانند علامه طباطبایی، امام خمینی^{علیه السلام}، سید قطب، ابن عاشور و علامه فضل‌الله که فقه قرآنی را تحلیل اجتماعی کرده‌اند، صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

مفسران و فقها برپایه آیات و روایات از صدر اسلام مسئله ربا را بررسی و نظرات و برداشت‌های خود را ارائه کرده‌اند. در روزگار ما، به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی که مسئله اقتصاد اسلامی و نظام مالی اسلامی مطرح شده، پژوهش‌های متعددی در مورد ربا و جوانب آن انجام شده است. در سایت «نور مگز»^۱ بیش از ۵۰۰ مقاله گردآوری شده است که یا در مورد ربا هستند و یا به نوعی به ربا ربط دارند. در مجموع این مقالات، مقاله‌ای که آسیب‌های اجتماعی این پدیده را با نگاه قرآنی بررسی کرده باشد، یافت نشد. البته، در کتابی که مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، سال ۱۳۸۲، به قلم سید محمدحسن علوی، با عنوان *ربا و راه‌های گریز از آن*، منتشر کرده، فصلی مربوط به آسیب‌های فردی و اجتماعی ربا است که آن نیز نگاه قرآنی ندارد و به مجموع گفته‌های کارشناسان در این مورد پرداخته است. عموم مقاله‌ها و کتاب‌های منتشرشده نگاه اقتصادی دارند و بسیاری نیز به فقه و احکام قضیه توجه خاص کرده‌اند، برای نمونه:

الف) کتاب‌ها

۱. *پول، بهره، بحران‌های اقتصادی اجتماعی*، اثر هلموت، کرویتس با ترجمه حمیدرضا شه‌میرزادی،

که کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۷۸ منتشر کرده است.

1. Noormags.

۲. **سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا**، اثر سعید فراهانی فرد، که دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۳۷۸ منتشر نموده است.

۳. **ربا، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا**، قم، مجموعه‌ای که بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تهیه کرده و دفتر تبلیغات اسلامی، آن را در سال ۱۳۸۱ چاپ کرده است.

۴. کتاب **الربا فقهياً واقتصادياً**، از حسن جواهری که در سال ۱۴۰۵ چاپ گردید.

۵. کتاب **ربا و بانکداری اسلامی**، از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی که مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، در سال ۱۳۷۶ آن را چاپ کرده است.

همچنین: محمدحسین ابراهیمی در **ربا و قرض در اسلام**؛ محمدمیر نوری کرمانی، در **موضوع‌شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر** و کتاب میثم موسایی با عنوان **تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی و با توجه به روابط اقتصادی معاصر**، به مسئله پرداخته‌اند، ولی تحلیل قرآنی نداشته‌اند.

ب) مقاله‌ها

۱. حسینی، هادی، ۱۳۸۱، «حکمت‌های تحریم ربا»، **اقتصاد اسلامی**، شماره ۵، تهران، ۲. دادگر، یدالله، ۱۳۷۵، **نامه مفید**، شماره ۷، قم دانشگاه مفید، «توجیهات معاصر پیرامون مسئله ربا»؛ ۳. موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۴، «ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری»، **اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۸، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ ۴. رجایی، سید محمد کاظم، ۱۳۸۴، «ماهیت بهره و ربا، دیدگاه مقایسه‌ای»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۳، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی. نگاه اجتماعی به مسئله ربا اندک بوده و نیاز به پژوهش با این نگاه همچنان باقی است.

مفهوم‌پردازی

الف) ربا

ربا از «ر ب و» به معنای افزون شدن، نشو و نماکردن و زیادشدن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۳۲) قرآن خود ربا را معنا کرده است: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ...» (روم / ۳۹)؛ اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می‌دهید تا در اموال مردم فزونی یابد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۱۴۱) بر همین اساس، در اصطلاح فقهی ربا بیع یا معاوضه یکی از دو عوض هم جنس پیمان‌های یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو، یا قرض دادن به شرط سود و زیادی است. (عاملی، ۱۴۱۳: ۳ / ۳۱۷ - ۳۱۶؛ محقق کرکی، ۱۴۰۸: ۴ / ۲۶۵)

ربا در فقه دو گونه است:

۱. ربا در دادوستد: ربا در دادوستد یا «ربای معاملی» آن است که در معامله‌ای، دو چیز همانند را

بی‌آنکه اندازه آنها برابر باشد، مبادله کنند. (امام خمینی، بی‌تا: ۱ / ۵۳۷ - ۵۳۶)

۲. ربا در وام: در زبان فقه، از این ربا به نام «ربای قرضی» یاد می‌شود. (همان: ۶۵۴)

ب) تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی از نوع اجتهادی است که از آن به گرایش اجتماعی تعبیر می‌شود و در اصطلاح گرایشی است که برپایه یافته‌هایی از قرآن به مباحث مورد نیاز جامعه پرداخته تا مشکلات اجتماعی عصر خود را حل کند یا دین را به شکل جدید متناسب با زمان مطرح نماید. در این گرایش مفسر، با نگرش جامعه‌زدایی، تحت تأثیر نیازهای اجتماعی است. (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۳۴۳) تفسیر اجتماعی تفسیر آیات قرآن متناسب با اهداف تربیتی و اصلاح حال انسان و تسریع قوانین با چنین درکی از جامعه و انسان‌هاست. تفسیر اجتماعی برای ایجاد رابطه و همگونی بین هدف دینی و هدف اجتماعی است. (ایازی، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۳) پس، تفسیر اجتماعی فراتر از استخراج حکم، علل و اسباب حکم و ریشه‌های اجتماعی آیات را تبیین می‌کند.

ج) آسیب اجتماعی

رفتارهایی مانند رباخواری و کسب درآمد از طریق پول، بدون کار یا مشارکت در کار، انحراف اجتماعی و یا کجروی اجتماعی هستند؛ زیرا نه عقلا آن را می‌پسندند و نه خدای متعال و نظام تشریح الهی. چنین رفتاری پیامدهایی دارد که از آنها به آسیب اجتماعی تعبیر می‌شود. برای مطالعه این آسیب‌ها دانشی به نام آسیب‌شناسی اجتماعی^۱ ایجاد شده که به مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و ... همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آنها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی، می‌پردازد. (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۵ - ۱۴) این آسیب‌ها رفتارهایی ناروا هستند. اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی^۲ تلقی می‌شود. (همان: ۱۵) از نظر قرآن رفتار عامل و نیز رفتارهای پیامدی، گناه، اثم و کفر نامیده می‌شوند که مجازات دنیایی و آخرتی و پیامدهای تکوینی و تشریحی دارند. (بقره / ۲۸۱ - ۲۷۵؛ نساء / ۱۶۱ - ۱۶۰)

1. Social Pathology.
2. Social Devianced.

تبیین تقابل گفتمان ربا با انفاق و صدقه

خطر ربا مورد توجه قرآن قرار گرفته و از آغاز نزول در فکر تغییر گفتمان اقتصادی حکم در منطقه نفوذ خود برآمده است. قرآن با پیش درآمد موعظه می‌فرماید: «... و هر کس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و [به رباخواری] پایان دهد، پس آنچه [از سود در] گذشته [به دست آورده] فقط از آن اوست و کارش با خداست...» (بقره / ۲۷۵) و تصریح می‌کند که اگر کسی مؤمن باشد و خداترس، ربا را باید ترک کند (بقره / ۲۷۸) و اگر چنین نکند، گزینه دیگری جز اعلام جنگ با خدا برایش باقی نمی‌ماند. (بقره / ۲۷۹) با انجام اعمال اصلاحی در کنار نماز و زکات (بقره / ۲۷۷) زمینه دل‌کندن از مال دنیا که جامعه را آلوده به ربا کرده فراهم می‌شود. با ترک ربا قرض‌دهنده به اصل مال خود می‌رسد و زمینه تحریک حس انتقام قرض‌گیرنده برطرف می‌شود و ظلم اقتصادی و مفاسدش از میان می‌رود. (بقره / ۲۸۰ - ۲۷۸)

تفسیر اجتماعی سازنده فرهنگ مالی و نظام اقتصادی خاصی است که ورای توبه از سوی رباخوار و مهلت دادن به بدهکاران، پیشنهاد «تصدق» و انفاق را داده (بقره / ۲۸۰) چه در قالب صدقات واجب و مستحب و چه در قالب قرض‌الحسنه، تا ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز میان دارا و ندار ایجاد شود. این نظام اقتصادی که در جای خودش باید به دقت بررسی شود، محبتی ایجاد می‌کند که فقیر و غنی به هم نزدیک و علاقه‌مند می‌شوند. علامه طباطبایی ذیل: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره / ۲۶۱) انفاق را در قالب «حقوق الناس» و «حقوق الله» مورد توجه قرار داده و معتقد است هدف الهی از این برنامه نزدیک کردن افق زندگی طبقات مختلف و کم کردن اختلاف میان آنها از جهت ثروت و نعمت‌های مادی است. از سوی دیگر توانگران و طبقه مرفه جامعه را از تظاهر به ثروت و از مخارجی که در نظر عموم مردم غیرمعمولی است و طبقه متوسط جامعه تحمل دیدن آن‌گونه خرج‌ها را ندارد، نهی کرده است. غرض از این برنامه ایجاد یک زندگی متوسط است که فاصله طبقاتی در آن فاحش نباشد، تا در نتیجه، ناموس اتحاد و همبستگی زنده بماند و خواست‌های متضاد و کینه‌های دل و انگیزه‌های دشمنی بمیرند.

به نظر علامه طباطبایی، گذشت روزگار، درستی نظریه قرآن را کشف کرد و ثابت نمود همان‌طور که قرآن فرموده تا طبقه پائین جامعه، از راه امداد و کمک به حد متوسط نزدیک نگردد و طبقه مرفه از زیاده‌روی و اسراف و تظاهر به جمال دست بردارد و به آن حد متوسط نزدیک نگردد، بشر روی رستگاری نخواهد دید. همه، تمدن غرب را دیده‌ایم که چگونه داعیان آن، بشر را به بی‌بندوباری در لذات مادی و افراط در لذات حیوانی واداشتند... ثروت‌ها و لذات خالص زندگی مادی همه به طرف

نیرومندان و توانگران سرازیر شده و برای اکثریت مردم جهان که همان طبقات پایین جامعه‌ها می‌باشند چیزی به جز محرومیت نماند ... این اختلاف طبقاتی تمامی رذایل اخلاقی را برانگیخته، و هر طرف را به سوی مقتضای خویش پیش راند، و نتیجه آن این شد که دو طایفه در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کنند و آتش فتنه و نزاع در بین آنان شعله‌ور شود، توانگر و فقیر محروم و منعم، واجد و فاقد همدیگر را نابود کنند و جنگ‌های بین‌المللی به پا شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۸۴ - ۳۸۳)

شاهد صدق نظر علامه این است که ربا پس از انقلاب صنعتی و تشکیل بانک‌ها، به‌ویژه بانک‌های بین‌المللی بُعد جهان‌خواری پیدا کرد، به‌گونه‌ای که به گفته یکی از سرمایه‌داران بزرگ یهودی، در سال ۱۹۷۰م. یهودیان ۷۰ درصد ثروت دنیا را در اختیار داشتند؛ درحالی که دیگران تنها ۳۰ درصد را داشتند. همچنین دکتر شاخت - مدیر پیشین بانک رایخ آلمان - در مصاحبه‌ای که سال ۱۹۵۳م. در دمشق انجام داد، گفت: «با یک حساب ریاضی نامحدود روشن می‌شود که تمام سرمایه دنیا به جیب شمار اندکی رباخوار سرازیر می‌شود؛ زیرا رباخوار همواره سود می‌برد، ولی ربا گیرنده گاهی سود و گاهی زیان می‌کند. پس روشن است که در درازمدت تمام ثروت‌ها به‌سوی رباخواران سرازیر می‌شود و همه کارخانه‌داران و چه دیگران، کارگزاران آنها هستند که دست‌رنج آنها را رباخواران به دست می‌گیرند». (عبدالسمیع المصری، ۱۴۰۷: ۱۷)

بسیار روشن است که چنین فضایی سلامت جامعه را در پی دارد. سید قطب این اندیشه را در تقابل صدقه و ربا دنبال کرده است. او که به پیروی از قرآن (بقره / ۲۷۶) نظام ربوی را در مقابل نظام زکوی و انفاقی قرار داده، معتقد است زیربنای اقتصادی و جوهره اساسی جامعه مؤمنان زکات است که امنیت، آرامش و رضای الهی رنگ این جامعه ایمانی است. همین جامعه است که همبستگی، اتحاد، همیاری و تشریک مساعی قاعده آن است و خود را نیازمند نظام ربوی نمی‌بیند. از بیان سید قطب استفاده می‌شود که وجود ربا به‌معنای تفرقه و درگیری است، در مقابل، رواج انفاق و زکات همبستگی و آرامش اجتماعی می‌آورد، حتی مهلت دادن به بدهکار (بقره / ۲۸۰) که نوعی انفاق و قرض‌الحسنه است، علاوه بر اینکه برای طلب کار و بدهکار و برای همه جامعه خیر است، برای زندگی اجتماعی همگرا و جامعه متوافق نیز خیر است. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۳۳ - ۳۲۸)

علامه فضل‌الله مکرر بیان کرده که نظام مبتنی بر انفاق و قرض‌الحسنه، سبب محبت، روابط سالم، همگرایی، وفاق و دوری از اختلاف است و نظام مبتنی بر بخل و ربا سبب بروز کینه‌ورزی، دشمنی، افتراق و اختلاف؛ برای نمونه ایشان در تفسیر آیه ۲۵۴ بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ...» (بقره / ۲۵۴) بعد از آنکه انفاق را یک اندیشه ایمانی در یک روند علمی معرفی می‌کند،

هدف از عملی کردن این اندیشه را آزادی اقشار ضعیف و تحت ستم از سیطره نیروهای طغیانگر و نجات آنان از سقوط مادی که گاهی به سقوط روحی و معنوی منجر می‌شود، می‌دانند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵ / ۲۵) ایشان که ربا را به سبب ایجاد کینه و دشمنی میان ربادهنده و رباگیرنده از عوامل آسیب به جامعه دانسته، معتقد است، صدقه (به معنای عام) به دلیل تأثیر آن در محبت و توسعه خیر و ایجاد فضای رشد و شکوفایی، سبب رشد اقتصادی برای همه از جمله قرض‌دهنده خواهد شد. به بیان ایشان محبت، رحمت، خیر و بخشش نتیجه‌اش تقارب، تعاون، تواصل، استقبال و روی‌آوری عقلی، روحی و عملی به مصالح مشترک است. (همان: ۱۴۵ - ۱۴۴)

با توجه به مفاسد غیر تبعیدی که بیان شد، مفاسدی که عقل آنها را درک می‌کند، نظریه حرمت مطلق ربا و عدم امکان یافتن راه حل برای توجیه ربا با حیل‌های بازاری، حق است. پس فقه قرآنی تنها راه پیشگیری و درمان مفاسد ربا را حذف آن از نظام مالی جامعه می‌داند و جامعه برای تداوم حیات سالم چاره‌ای جز روی آوردن به انفاق و صدقه؛ یعنی یاری نیازمند ندارد؛ زیرا «آثار سویی که بر رباخواری بار می‌شود، درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می‌آید. آن، اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد و این بر رحمت و محبت می‌افزاید؛ آن خون مسکینان را به شیشه می‌کند و این باعث قوام زندگی محتاجان و مسکینان می‌شود؛ ربا اختلاف در نظام و ناامنی می‌آورد و این انتظام در امور و امنیت ایجاد می‌کند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۲۸)

در نتیجه تفسیر اجتماعی آیات فقه ربا، اقتصاد آلوده به ربا را به هیچ وجه قابل توجیه نمی‌بیند، «چون ربا مسئله‌ای است که عقل مفاسد و عوارض تجویز آن و مصالح و پیامدهای مثبت جلوگیری از آن را به خوبی درک می‌کند». (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۲ / ۵۴۰ - ۵۳۹)

تبیین ریشه آسیب‌زایی هنجاری ربا

محققان اسلامی معتقدند احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند. مشهور بین عدلیه و امامیه تبعیت احکام از مصالح و مفاسد است. (خویی، ۱۴۱۹: ۴ / ۲۰۵ و ۲۹۱) آنها بر پایه ادله روایی (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۷ / ۴۵؛ خویی، ۱۳۶۸: ۲ / ۳۷ - ۳۶) به خصوص احادیث علل، اجماع و دلیل عقلی که بیان می‌کند مستند نبودن احکام شرعی به مصالح و مفاسد واقعی لغو است و صدور لغو از خدای متعال محال است (حکیم، ۱۴۱۶: ۲ / ۳۸۰) معتقدند که احکام بر پایه مصالح و مفاسد معین وضع شده است. اگر فقیهی مانند امام خمینی علیه السلام همانند سایر فقها بر حذف ربا از بانک‌ها تأکید کرده، به همین دلیل است که معتقدند جعل احکام تکلیفی به جهت وجود مصلحت در آنها است و حلیت بیع و

حرمت ربا را به دلیل وجود مصلحت سیاسی یا اقتصادی است که مقتضی این حلیت و حرمت است. (تقوی‌اشتهاردی، ۱۳۸۵: ۲ / ۹۸ و ۴ / ۸۱) امام خمینی^{علیه السلام} به تبیین مفاسد ربا اهتمام داشته، آن را به‌عنوان یک پدیده اقتصادی در روابط میان انسان‌ها، به دلیل داشتن پیامدهای بسیار بد برای جامعه و اقتصاد آن (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۲ / ۵۴۰)، از بدترین گناهان، زشت‌تر و عقوبت و پیامدش بدتر شمرده‌اند. با وجود مفاسد واقعی، بعضی برای ایجاد تسهیل از سرمایه رباخواران در پی استفاده از راه فرارهایی برای حلال کردن مبادلات به واقع ربوی برآمده‌اند. امام خمینی^{علیه السلام} به این مسئله توجه خاص نموده و به دلیل وجود مفاسد واقعی در ربا به هیچ وجه توجیهاً و حیل‌های تجویز ربا را نپذیرفته و نوشته است:

چگونه ممکن است از ربا، با حیل‌های شرعی فرار کرد، درحالی‌که در قرآن کریم و احادیث فراوانی که در منابع شیعه و اهل سنت در مورد حرمت آن با شدت و حدت خاصی، که در کمتر گناهی دیده می‌شود، سخن گفته شده است؟ افزون بر اینکه این پدیده شوم، مفاسد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوانی در بردارد. این مشکل علمی، بلکه این عقده، در دل بسیاری از متفکران اسلامی، بلکه متفکران غیر اسلامی مطرح هست و باید آن را (با تحقیق و بحث و بررسی) حل کرد. این سخن که این یک مسئله تعبدی است و باید آن را بدون چون‌وچرا پذیرفت، به دور از حق و صواب است؛ چون مسئله‌ای است که عقل، مفاسد و عوارض تجویز آن و مصالح و پیامدهای مثبت جلوگیری از آن را به خوبی درک می‌کند. (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۲ / ۵۴۰ - ۵۳۹)

به همین دلیل دولت‌های استعمارگر تلاش کرده‌اند تا ربا با توجیه دینی وارد زندگی مسلمانان شود؛ به‌عنوان نمونه همفر ۱ انگلیسی توضیح می‌دهد که گرچه در سیستم اقتصادی اسلام، ربا به‌طور کلی حرام و ممنوع است و به شدت از آن جلوگیری شده، ولی باید با رواج برخی تفاسیر غلط پیرامون آن، ربا را میان مسلمان شایع ساخت. وی در خاطرات خود از کتابی که دبیرکل وزارت مستعمرات انگلیس به او داده، چنین نقل می‌کند: «ما باید ربا را به هر صورتی که شده است در میان مسلمانان رواج دهیم؛ زیرا که این عمل علاوه بر آنکه موجب ویرانی اقتصاد آنان می‌گردد، سبب جرئت یافتن مسلمان در مخالفت با قرآن نیز خواهد شد.» (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) وی سپس به توجیه وارونه مسئله ربا پرداخته و آن را به مسلمانان تحت عنوان پیشرفت اقتصادی، توصیه می‌نماید. (علم الهدی، ۱۳۹۰: ۱۰۲) پس ربا یک مسئله آسیب‌زا به‌طور واقعی است که به هیچ طریقی قابل توجیه نیست.

1. Hempher.

تبیین علل تبدیل شدن رباخوار به عامل آسیب

گفته شده که رباخوار به علت وابستگی زیادی که به پول و ثروت دارد، وقتی پولش را به کسی قرض می‌دهد، ذهنش همواره درگیر است و وقتی تصور کند که بدهکار نمی‌تواند میل او را ارضاء کند، دچار بحران روحی می‌شود، در مقابل کسی که برای خدا قرض‌الحسنه می‌دهد، حال خوش و آرامی پیدا می‌کند؛ زیرا با خدا معامله کرده و خدا هرگز ناتوان از انجام وعده‌ای که داده نمی‌شود. (ر.ک: بقره / ۲۴۵؛ حدید / ۱۱) به نظر عبدالعزیز اسماعیل پاشا، نویسنده کتاب *اسلام و طب جدید* خسارت‌های ثروتمند شدن سریع بیش از مصیبت‌ها در اعصاب تأثیر می‌گذارد؛ زیرا انسان هنگام روی دادن هر مصیبتی، می‌تواند به امید رفع تدریجی یا پاداش آخرتی، دل خوش باشد و این حالت از حکمت الهی است که انسان را در برابر زیان‌ها نگاه می‌دارد. ولی رشد غیرطبیعی و سریع ثروت سبب انفعال‌های روانی خاصی می‌شود که تحمل‌پذیر نیست. احساس فزونی‌خواهی که زوال آن تصور نمی‌شود، توان روانی برای مقابله با خطرات را بسیار کم می‌کند. بیشتر مرض‌های عصبی روحی از این‌گونه حالت‌ها برمی‌خیزد، برخلاف درآمد حلال که تدریجی است و کاسب هر روز انتظار سود و زیان دارد، این انفعال‌های پی‌درپی و لحظه‌ای، او را برای تاب آوردن زیان‌ها آماده می‌سازد. (پاشا، ۱۳۴۶: ۶۴)

پاشا با ارائه ادله پزشکی معتقد است تصور ناتوانی بدهکار از پرداخت سود و اصل بدهی ربوی، رباخوار را دچار فشارهای سخت عصبی می‌کند، به‌گونه‌ای که سبب بیماری‌های جسمی مانند مرض قند، فشارخون، سکته و حتی بی‌خونی جنون‌آور می‌شود. (همان)

سنت الهی بر این است که عمل انسان در روح او اثر وضعی می‌گذارد؛ چنان‌که خدای متعال به‌طور کلی تصریح فرموده: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ...؛ و هر مصیبتی به شما رسد پس به‌خاطر دستاورد شماست.» (شوری / ۳۰) علامه فضل‌الله آبه را به دلیل خطاب جمعی، بیشتر ناظر بر بلاها و مصیبت‌های اجتماعی دیده و تأکید کرده که سنت خدا در هستی این است که انسان برپایه رفتارش عقوبت شود. ایشان چنین فهمیده که گرچه گناه ربا فردی است، ممکن است عقوبت جمعی باشد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰ / ۱۸۵ - ۱۸۴) از این‌رو، اسلام سفارش زیادی به کار و کوشش کرده است ولی، انسان را از دل‌بستگی شدید به دنیا باز داشته و وی را از مال‌اندوزی نهی کرده است؛ (توبه / ۳۴) زیرا هنگامی که دوستی مال، در دل انسان جای گرفت، برای به دست آوردن آن از هیچ رفتاری فروگذار نمی‌کند و حتی ممکن است برای رسیدن به ثروت جان، مال و آبروی دیگران را به خطر اندازد، زیرا علاقه افراطی، انسان را کر و کور معنوی می‌کند: «حَبَّ الشَّيْءِ يَعْمي وَ يَصْم.» (صدوق، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۸۰) انسان کر و کور ممکن است هم خود را در معرض آسیب قرار دهد و هم به دیگران

آسیب بزند، به خصوص اگر این کری و کوری نتیجه شهوت و هوای نفس باشد. افراط در گرایش‌های مادی انسان را در اختیار شیطان قرار می‌دهد و به سبب دخالت او انسان از حال طبیعی و سلامت خارج می‌شود و نمی‌تواند خوب و بد، سود و زیان و خیر و شر را از هم تشخیص دهد. (حجر / ۳۹) از این‌رو، زشتی را زیبایی و زیبایی را زشتی می‌پندارند. (کهف / ۱۰۴ - ۱۰۳) این انحراف همان خبط است که رباخوار به آن توصیف شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۱۰)

علت خبط آن است که سیر طبیعی و فطری نظام انسانی که اساس زندگی اجتماعی بر آن استوار است، تأمین نیاز اعضای جامعه در دادوستد با یکدیگر است. اگر نیاز در یک طرف بود، ولی چیزی برای معاوضه نداشت، اگر طرف دیگر از موقعیت سوء استفاده کند و رفع نیاز را وسیله ثروت‌اندوزی قرار دهد با حکم فطرت مخالف است و موجب فروپاشی نظام زندگانی خواهد شد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۲ / ۵۷۲)

به نظر بعضی، رباخواری سبب آشفته‌حالی می‌شود، به گونه‌ای که رباخوار مال دیگران را حق خود می‌پندارد و برای ستاندن حق توهمی خود عواطف انسانی را زیر پا می‌گذارد و تهی‌دست را بیچاره می‌کند. این رفتار غیر انسانی اگر در آغاز راه دشوار باشد، ولی کم‌کم عادت می‌شود و سبب سنگدلی می‌گردد تا جایی که حاضر می‌شود شخص بدهکار یا فردی از خانواده او را به بردگی بگیرد، چنان که در ملت‌های گذشته، به صورت امری عادی درآمده بود. (ملکوتی، ۱۳۹۵: ۱ / ۶۷)

دیگری توضیح داده، از آنجا که رباخوار پروانه خیالش جز در محور سود نمی‌چرخد و در نظر او مقیاس همه ارزش‌ها سود است، می‌کوشد که همه مواهب عقلی و انسانی و قوانین کار و تولید را برای سودبری خود به کار گیرد و چون روش و منش او با سنت‌های طبیعی و مصالح مردم تضاد دارد و دشمنی قربانی‌شدگان و ستم‌زدگان را نسبت به خود احساس می‌کند؛ خوی کینه‌جویی و بداندیشی نسبت به مردم در او ملکه می‌شود. از ترکیب خوی سودجویی و کینه‌توزی بی‌پایان، خوی درندگی و حسد ... در درونش ریشه می‌گیرد. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۵۳) به همین دلیل رباخوار بدحال‌تر از هر صاحب‌پیشه‌ای است؛ زیرا روزی خود را تعیین می‌کند و اعتماد و توکلی به خدا ندارد. (خسروی، ۱۳۹۷: ۱ / ۳۶۸)

لب کلام آن است که قرآن تصریح کرده رباخوار همانند دیوانه و جن‌زده است. (بقره / ۲۷۵) چنین انسانی اگر وارد جامعه شود، نظم آن را به هم می‌زند. رباخوار به دلیل عشق به مال و ثروت، دچار مشکل عقلی می‌شود و در اثر رشد حالت جنون ناشی از مال‌پرستی، دیوانه‌وار با اعضای نیازمند جامعه رفتار می‌کند و به عاملی جدی برای آسیب‌زدن به جامعه و اعضای آن تبدیل می‌شود.

آسیب‌ها و مفاسد واقعیه و عینی ربا

در آغاز این بخش به نکته‌ای که در احادیث آمده اشاره می‌شود. تا آسیب‌های ربا و دلیل نظریه قرآن در مورد ربا مبرهن گردد. از رسول خدا ﷺ نقل شده که ربا هفتاد اثر بد دارد که کمترین گناهش مانند آن است که رباخوار در خانه خدا با مادرش زنا کند. در ادامه سخن آمده که گناه ربا از هفتاد زنا با محارم در خانه خدا بزرگ‌تر است. (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۴۲۶)

اگر گناه ربا از زنا با محارم بدتر است، بدیهی است که جامعه آسیب‌هایی بدتر از آسیب‌های رواج زنا با محارم ببیند! ربا چه پیامدهایی دارد که به زنا، آن هم زنا با محارم تشبیه شده و گناه و عقوبتش فراتر از زنا دانسته شده است؟ آسیب‌های ربا در چند سطح قابل بررسی است:

الف) آسیب‌های اجتماعی سیاسی

۱. تغییر ماهیت نظام اسلامی

خدای متعال رباخواران را همانند کافران به عذاب جاویدان (بقره / ۲۷۵) و دردناک تهدید کرده است. (نساء / ۱۶۱ - ۱۶۰) خداوند جامعه آلوده به ربا را «کَفَّارٌ أَثِيمٌ» خوانده؛ یعنی جامعه‌ای که آلوده به ریاست، آلوده به کفر و ناسپاسی است. پس هر جامعه‌ای یک شناسه واقعی دارد که با تبلیغات و شعاردهی تغییر نخواهد کرد. بر همین اساس نظریه حاکم بر نظام اقتصادی یک جامعه و عمل براساس آن شاخصه‌ای برای معرفی آن نظام است. امام خمینی ﷺ با اشاره به اینکه جعل احکام تکلیفی به جهت وجود مصلحت واقعی در آنها است، حلیت بیع و حرمت ربا را به دلیل وجود مصلحت سیاسی یا اقتصادی که مقتضی این حلیت و حرمت است، دانسته‌اند. (تقوی‌اشتهاردی، ۱۳۸۵: ۴ / ۸۱) به نظر امام خمینی ﷺ این پدیده شوم، مفاسد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوانی (مانند تغییر حقیقت نظام سیاسی) را در بردارد. (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۲ / ۵۴۰) برپایه همین نگاه امام خمینی ﷺ توجه داده‌اند که اگر ربا در کشور ما، در بانک، در تجارت و در میان مردمش باشد، ما نمی‌توانیم بگوییم که جمهوری ما اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۴۳۴) در حدیث رضوی درستی این نظر تأیید شده و حضرت متذکر شده که رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن، اهانت به حکم تحریم الهی، از گناهان کبیره و سبب ورود به کفر است. (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۴۲۶ - ۴۲۵، ح ۱۱) پس اگر نظام اقتصادی غیر اسلامی شد، آن حکومت غیر اسلامی است. بدیهی است، اگر حکومتی جنگ با خدا را مجاز بداند: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...» (بقره / ۲۷۹ - ۲۷۸) اسلامی نخواهد بود.

۲. نابودی سرمایه انسانی و مالی

بررسی و تحلیل آیات ربا نتیجه می‌دهد که پشت کردن به نظام مالی قرض‌الحسنه و ترویج ربا،

موجب ترویج کینه‌ها و دشمنی‌ها و در نهایت تفرقه در جامعه است. علامه طباطبایی در تفسیر «يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَّاءَ وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره / ۲۷۶)، تبیین کرده که از جمله مضرات ربا، قساوت قلب گیرنده و دهنده ربا است که باعث بغض و عداوت و سوءظن می‌گردد و امنیت و مصونیت را سلب نموده، نفوس را تحریک می‌کند تا از هر راه و وسیله‌ای که ممکن باشد چه با زبان و چه با عمل، چه مستقیم و چه غیرمستقیم از یکدیگر انتقام بگیرند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۱۹) ایشان توضیح داده که ربا و صدقه، هر دو با زندگی طبقه محروم و محتاج، تماس دارد؛ زیرا احتیاج به ضروریات زندگی، احساسات باطنی آنان را تحریک کرده و در اثر وجود عقده‌ها و خواسته‌های ارضاء نشده آماده دفاع از حقوق خود گشته و درصدد مبارزه برمی‌آیند. اگر در چنین شرایطی به آنان با صدقه یا قرض الحسنه احسان شود، احسان را تلافی می‌کنند و اگر در چنین وضعی قساوت ببینند، به‌طوری که تتمه مالشان هم از بین برود و آبرو و جانشان در خطر افتد، به فکر انتقام می‌افتند و کمتر رباخواری است که از آثار شوم این مبارزه محفوظ بماند. (همان: ۴۱۹)

علامه فضل‌الله نیز ذیل آیه ۲۷۶ بقره تبیین کرده که نابودی سرمایه حاصل از ربا به دلیل این است که ربا سبب ایجاد کینه و دشمنی بین ربادهنده و رباگیرنده می‌شود. بدهکار تحت فشاری که ربا بر زندگی او وارد می‌کند و احساس خطر نابودی، علیه رباخوار فعالیت می‌کند و به هر شکلی که بتواند به او خسارت خواهد زد. (فضل‌الله، ۱۴۱۲: ۵ / ۱۴۵ - ۱۴۴) پس ربا عامل درگیری و نابودی سرمایه‌های انسانی خواهد شد و اعضای نیازمند جامعه که فرصت‌های شغلی تنها امید آنان به ادامه زندگی است، دچار تلاطم و آسیب شوند.

۳. برهم زدن آرامش روانی جامعه

خدای متعال پیش از آنکه وارد مسئله ربا شود، می‌فرماید: «کسانی که اموالشان را در شب و روز، پنهانی و آشکارا، در راه خدا مصرف می‌کنند پس پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود. و نه هیچ ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.» (بقره / ۲۷۴) چون می‌دانند انفاق برکات فردی و اجتماعی بسیار خوبی دارد، از دست دادن مال نگران‌شان نمی‌کند و غم در زندگیشان راه ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۶۳) پس در این آیه، سخن از ربا و پیامدهای نگران‌کننده آن است. (بقره / ۲۸۰ - ۲۷۵) سید قطب از اینکه خدای متعال به رباخوار اعلام جنگ داده و اصرار او را به‌منزله جنگ با خود خوانده، چنین فهمیده که نظام ربوی، جنگی علیه روان و دل‌های آدمیان، علیه برکت و فراخ‌دستی، علیه خوشبختی و آسوده‌خاطری است. پس وجود ربا به‌معنای درگیری است، در مقابل رواج انفاق و زکات که همبستگی و آرامش اجتماعی می‌آورد، چنان‌که ایشان در توضیح آیات

تقابل انفاق و ربا به نقش امهال به بدهکار (بقره / ۲۸۰) که نوعی انفاق و قرض الحسنه است، توجه کرده و آن را خیر برای زندگی اجتماعی همگرا و جامعه متوافق دانسته‌اند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۳۳ - ۳۲۸) ابن عاشور مردم مبتلا به ربا را دچار درهم ریختگی، عدم توازن، نابسامانی و اضطراب می‌داند. (ابن عاشور، ۱۹۷۴: ۲ / ۵۵۰ - ۵۴۹) در حدیث رضوی نیز ربا عامل فساد و ظلم دانسته شده (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۴۲۶ - ۴۲۵، ح ۱۱) که بدیهی است ظلم و فساد آرامش جامعه را برهم بزند. به طور کلی، روابط انسانی که از حد تعادل و عدالت خارج شد، سبب ناهنجاری و برهم خوردن آرامش جامعه خواهد شد.

۴. کوتاهی عمر جامعه

همان‌گونه که افراد جامعه دارای اجل (عمر محدود) هستند (منافقون / ۱۱)، جامعه نیز دارای عمر محدودی است: (مؤمنون / ۴۳) عمر فرد و جامعه گاهی در اثر عملکرد کوتاه می‌شود. ربا از جمله عوامل کوتاهی عمر جامعه است. استاد جوادی آملی تأکید کرده که در اثر ربا جامعه به دو طبقه مرفه و محروم تقسیم می‌گردد و به تدریج طبقه محرومان در برابر سرمایه‌داران می‌شورند و زمان زوال جامعه فرا می‌رسد و عمر جامعه کوتاه می‌شود. به نظر ایشان رباهای بانک‌ها یا شرکت‌های دولتی و مردمی، نقش تعیین‌کننده‌ای در این کوتاهی عمر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۲ / ۵۵۶)

ب) آسیب‌ها و مفسدات اجتماعی فرهنگی

۱. صدمه دیدن دین‌داری

ربا نه تنها به نظام سیاسی اجتماعی لطمه می‌زند، بلکه نظام دینی و اخلاقی جامعه را تخریب می‌کند. آسیب دیدن جریان دین‌داری در جامعه از پیامدهای گسترش ربا است. قرآن کریم رباخوار را «کَفَّارٌ أٌتِیمٌ؛ بسیار ناسپاس گنه پیشه» خوانده و او را از محبت الهی محروم دانسته است. (بقره / ۲۷۶) کسی از امام صادق علیه السلام در مورد ناپودکندگی ربا (بمحقق) پرسید، امام در پاسخ فرمود: «چه ناپودکننده‌ای قوی‌تر از یک درهم ریاست که دین را نابود می‌کند، اگر رباخوار توبه نکند.» (صدوق، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۷۹) پس اگر ربا در نظام اقتصادی نفوذ کند، جامعه به سمت کفر و بی‌دینی پیش خواهد رفت تا حدی که در مقابل خدا بایستد و با خدا و پیامبر محاربه کند. (بقره / ۲۷۹ - ۲۷۸) این جنگ بالاترین نماد کفر است. ربا رستگاری مردم را به مخاطره می‌اندازد (آل عمران / ۱۳۰) و زندگی اجتماعی را آلوده به کفر می‌کند. (آل عمران / ۱۳۱ - ۱۳۰)

۲. ناهنجاری اخلاقی و زشت‌رفتاری

ربا چهره درهم کشیده و بدکاره‌ای است که در مقابل صدقه صف کشیده است. (بقره / ۲۸۰ - ۲۷۵) ربا

و رباخواری سنگدلی، نامهربانی، بدکاری و شرارتی است که گریبان‌گیر جامعه می‌شود و تباهی و فساد است که در زمین پدیدار می‌گردد و سبب هلاکت بندگان است. سیستم اخلاقی و عملی در اسلام با یکدیگر پیوند کامل دارند، از این رو، اقتصاد موفق اسلامی بدون اخلاق پابرجا و میسر نیست. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۳۱) به همین دلیل اسلام با هیچ گناهی مانند ربا سخت برخورد نکرده است. دلیل این برخورد، امروز بهتر از عصر نزول، در جوامع جهان سومی مشهود است. به نظر سید قطب یورش سختی که در آیات ۲۷۵ تا ۲۸۰ سوره بقره به سوی نظام منفورِ مبعوض ربوی شده، بدین دلیل است که رباخوری ... اخلاق، دین، سلامت و اقتصاد بشر را به بازیچه می‌گیرد. خوره ربا فرد و گروه، قبیله، و ملت‌ها و در یک کلمه بشر و خلق و خوی او را تباه می‌سازد و از هم می‌پاشد! ... معامله ربوی محال است که وجدان فرد و اخلاق او را تباه نسازد و فهم و شعورش را نسبت به برادرش در جامعه مختل ننماید. (همان: ۴۲۴) در شرایطی که یک طرف نیاز است و طرف دیگر بی‌رحمی. (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۲ / ۵۷۲) و رباخوار برای ستاندن حق توهمی خود عواطف انسانی را زیر پا می‌گذارد و از بیچاره کردن تهی‌دست ابایی ندارد (ملکوتی، ۱۳۹۵: ۱ / ۶۷) سخن گفتن از اخلاق نیکو معنایی ندارد. پس ربا سبب ناهنجاری اخلاقی می‌شود.

۳. جلوگیری از تحقق اهداف خلقت انسان

خدای متعال سعادت و فلاح انسان را هدف زندگی او قرار داده است. برای تحقق این هدف در تمام قرآن انفاق و احسان به نیازمندان توصیه شده است. (برای نمونه: بقره / ۲۷۴ - ۲۶۱) نظام ربوی در مقابل هدف الهی مانعی سخت است که با نظام زکوی (پرداخت زکات و انفاق) رویاروی یکدیگرند. نظام اقتصاد اسلامی و نظام رباخواری در هیچ تصور و اندیشه‌ای به هم نزدیک نمی‌شوند و در هیچ اساس و پایه‌ای با یکدیگر نمی‌سازند و در هیچ هدف و نتیجه‌ای با هم هماهنگی و سازش ندارند. نظام ربوی تعدی به حدود الهی است که رباخوار آن را با زور و قلداری اجرا کرده که نه خداوند آن را می‌پسندد و درستش می‌داند و نه معتقدان به خدا آن را می‌پذیرند و شایسته‌اش می‌بینند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۲۴) رباخواری، بلاهای نابودکننده و فروشکننده‌ای بر سر انسان وارد می‌کند (همان: ۴۲۴) دلیلش این است که:

۱. جهان‌بینی اسلامی با سیستم ربوی و با نتایج عملی آن در زندگی مردمان و جهان‌بینی‌ها و اخلاق آنان، تضاد و برخورد مستقیم دارد؛ ۲. سیستم ربوی بلایی است بر ضد انسانیت که خوشبختی بشریت را به کلی به نابودی می‌کشاند؛ ۳. سیستم اخلاقی و عملی در اسلام با یکدیگر پیوند کامل دارند، از این رو، اقتصاد موفق اسلامی بدون اخلاق پابرجا و میسر نیست و بدون آن هم

زندگی عملی مردم نمی‌تواند رو به راه و موفق گردد؛ ۴. معامله ربوی غیرممکن است که ... زندگی جامعه بشری و ضمانت بقای اجتماعی انسانی را با دمیدن روح آز و طمع و خودخواهی و نیرنگ ... متلاشی نسازد. (همان: ۳۳۱ - ۳۳۴) پس ربا مانعی بزرگ برای رسیدن انسان به اهداف خلقتش است.

ج) آسیب‌ها و مفساد اجتماعی اقتصادی

۱. نابودی سرمایه مالی

ربا اقتصاد جامعه را نیز به خطر می‌اندازد. در تفسیر «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره / ۲۷۶)، افزون بر آنچه گفته شد، تبیین شده که از جمله مضرات ربا، کاهش مال و فنای تدریجی آن است؛ زیرا آنان که خونشان مکیده شده علیه او تبلیغ می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۱۹) همچنین علامه طباطبایی توضیح داده که در مقابل از خصوصیات صدقات این است که رشد می‌کند و این رشد، لازمه قهری صدقه است و از آن جداشدنی نیست؛ چون سبب جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را گسترش داده و دل‌ها را از گرایش به‌سوی غصب و دزدی و فساد و اختلاس، بازمی‌دارد. همچنین صدقه سبب اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فنای اموال را می‌بندد و همه این‌ها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا زیاد و چند برابر گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۱۹ - ۴۱۸)

علامه فضل‌الله آنجا که در مورد زیانبار بودن ربا و مبارزه حق تعالی با معاملات ربوی و برکت دادن به روش صدقه‌ای (قرض‌الحسنه و انفاق) ذیل آیه ۲۷۶ بقره سخن گفته و توضیح داده که نابودی سرمایه حاصل از ربا به دلیل این است که ربا سبب ایجاد کینه و دشمنی بین ربادهنده و رباگیرنده می‌شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۲: ۵ / ۱۴۵ - ۱۴۴)

احادیث باب ربا گویای این مطلب است که ربا عامل نابودی سرمایه‌هاست. برای نمونه در پاسخ امام رضا^{علیه السلام} به سؤال از علل تحریم ربا، حضرت فساد مالی و فاسد شدن اموال را بیان کرده‌اند. حضرت زیاده ربوی را سبب نقصان مال گیرنده و دهنده ربا برشمرده؛ زیرا باطل وارد معامله شده است که سبب نابودی اموال می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۴۲۶ - ۴۲۵، ح ۱۱)

۲. ویرانی، خرابی و آوارگی مردم

از جمله آسیب‌های ربا که سبب ایجاد مشکلات جدی برای جامعه می‌شود، نقش آن در ایجاد درگیری و ویرانی است. بسیار روشن است که درگیری و ویرانی سبب آوارگی مردم می‌شود و جامعه‌ای که بخشی از جمعیتش آواره شوند، به شدت آسیب می‌بیند و نمی‌تواند منسجم بماند. ابن‌عاشور ذیل آیه ۳۹ سوره روم متذکر شده که خدای متعال نتیجه واقعی ربا را خلاف مقصود

رباخوار بیان کرده است. به نظر او خدای متعال از دارا می‌خواهد که با ندار حداقل مواسات و همدردی عملی را مراعات کند. این حکم با ربا نقض می‌شود. دارا فراخ بال است و ندار در تنگنا و نیازمند به یاری برای رفع نیاز اضطراری مواسات حکم می‌کند که مؤمن دارا، نیاز ندار را رفع کند و ربا در تنافی با این راهبرد است. (ابن‌عاشور، ۱۹۷۴: ۲۱ / ۶۰) به نظر علامه طباطبایی، ربا موجب می‌شود که دو طایفه در مقابل یکدیگر صف آرایی کنند و آتش فتنه و نزاع در بین آنان شعله‌ور شود، توانگر و فقیر، محروم و منعم، واجد و فاقد همدیگر را نابود کنند و جنگ‌های بین‌المللی به پا شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۸۴ - ۳۸۳)

به نظر امام خمینی علیه السلام ربا نوعی مرض است که اگر توسعه پیدا کند، مملکت را به نابودی می‌کشد. رباخوری، بازارها را از بین خواهد برد و مردم را تباه خواهد کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۵۲۷)

سید قطب رباخواران را سبب ارسال طوفان نگرانی، پریشانی، خوف و هراس، به‌سوی همه جهان دانسته که همگان را آواره و سرگردان می‌سازد. ایشان با تعبیر مختلفی، ربا را سبب جنگ و درگیری بین ملتها و رباخواران بیان کرده که جز ویرانگری برای همه، ثمری ندارد. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۳۱)

۳. بیکاری و رکود بازار کار

از جمله پیامدهای ترویج ربا صدمه دیدن بازار کار است. امام خمینی علیه السلام معتقد است اگر بانکداری ربوی رواج پیدا کند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها بازمی‌مانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و پولشان برایشان کار می‌کند و حال آنکه پول نباید کار کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۴۳۴) در احادیثی از اهل بیت علیهم السلام علت تحریم ربا، پیشگیری از رویگردانی مردم از کارها و مشاغل پسندیده و از بین رفتن روابط شایسته اقتصادی بیان شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۴۲۵ - ۴۲۴، ح ۳ - ۴ و ۱۰ - ۹) برای نمونه امام صادق علیه السلام در بیان علت تحریم ربا فرموده: «اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و تلاش برای تولید نیازمندی‌ها را رها می‌کردند». (صدوق، ۱۴۰۴: ۳ / ۵۶۷، ح ۴۹۳۷)

نتیجه

ربا مسئله‌ای مهم است که بررسی ابعاد آن نیازمند پژوهش‌های دقیق است. تفسیر اجتماعی آیات ربا نشان می‌دهد که این پدیده به دلیل آثار زیانبار اجتماعی از محرّمات مسلم دین اسلام است و برای آن شدیدترین عوقبت در نظر گرفته شده است. بدیهی است که در صورت گسترش ربا در جامعه، اندک‌اندک پیامدهای آن همه شئون اجتماعی و فردی جامعه اسلامی را آلوده و آفت‌زده خواهد کرد. ربا میزان پابندی اعضای جامعه را نسبت به احکام شریعت و مبانی اعتقادی سست خواهد کرد و در

سطح اجتماعی بروز انحرافات و آسیب‌های گوناگون اجتماعی را در پی خواهد داشت. به همین دلیل دولت‌های استعمارگر تلاش کرده‌اند تا ربا با توجیه دینی و به ظاهر منطقی وارد زندگی مسلمانان شود. علت اصلی این است که ربا موجب ویرانی نظام اجتماعی و اقتصادی و سبب نابودی هنجارهای اسلامی جامعه اسلامی خواهد شد. مفسد مترتب بر ربا که مفسر اجتماعی با نگاه عقل اجتهادی از آیات استنباط می‌کند، با تأملات عقلایی قابل درک‌اند. پس، در جمع‌بندی تفسیری به این نظریه می‌رسیم که آسیب‌ها هرگز از این پدیده با هر عنوان که عملیاتی شود، جداشدنی نیستند. برپایه تفسیر اجتماعی آیات ربا، نظریه ممنوعیت مطلق ربا و بطلان فرضیه‌های امکان یافتن راه‌های فرار از ربا، مسلم است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۹۷۴ م، *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس، الشركة التونسية للتوزيع.
- احمدی میانجی، علی، ۱۹۹۸ م، *مکاتیب الرسول*، تهران، دارالحدیث.
- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۴۲۱ ق، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- امام خمینی، سید روح‌الله، بی تا، *تحریر الوسیله*، قم، اسماعیلیان.
- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- *انجیل* (عهد جدید)، ۱۳۸۷، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی.
- ایازی، سید محمدعلی، ۱۴۱۴ ق، *المفسرون، حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بجنوردی، حسن، ۱۳۹۳ ق، *القواعد الفقهية*، تهران، مکتبه الصدر.
- پاشا، عبدالعزیز اسماعیل، ۱۳۴۶، *اسلام و طب جدید*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- تقوی اشتهااردی، حسین، ۱۳۸۵، *تنقیح الأصول* (تقریرات درس اصول امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چ ۳.
- *تورات*، تهران، انجمن بخش کتب مقدس.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تسنیم*، ج ۱۲، تنظیم محمدحسین الهی‌زاده، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البت علیه السلام، لاحیاء التراث.

- حسینی، محمدباقر، ۱۳۹۰، *خاطرات سیاسی - تاریخی مستر همفر در کشورهای اسلامی*، تهران، راه نیکان.
- حکیم، سید عبدالصاحب، ۱۴۱۶ ق، *منتقى الأصول* (تقریر درس آیت الله روحانی)، قم، الهادی.
- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۶۸، *اجود التقریرات* (تقریر درس آیت الله نائینی)، قم، مصطفوی.
- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۳ ق، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغتنامه*، دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران.
- رومی، مهد بن عبدالرحمان، ۱۴۱۸ ق، *اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ستوده، هدایت الله، ۱۳۷۹، *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران، آوای نور.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دارالشروق.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتویی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ ق، *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسة معارف الاسلامیه.
- علم الهدی، سید احمد، ۱۳۹۰، *یادداشت های یک جاسوس انگلیسی «مستر همفر»*، تهران، جمهوری.
- علوی مهر، حسین، ۱۳۸۱، *روش ها و گرایش های تفسیری*، قم، اسوه.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- فیاض، محمد اسحاق، ۱۴۱۹ ق، *محاضرات فی أصول الفقه* (تقریر درس آیت الله خویی)، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ ق، *قاموس المحيط*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۵۰، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محقق کرکی، علی بن حسین، ۱۴۰۸ ق، *جامع المقاصد*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- مصری، عبدالسمیع، ۱۴۰۷ ق، *لماذا حرم الله الربا*، قاهره، مکتبه وهب.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۰، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، چ ۹.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷، *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی